

استعاره

در کتاب‌های آموزشی دوره متوسطه و نارسایی در ارائه آن

عفت مه‌ری

دبیر دبیرستان‌های اراک و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

و جایگاه خود قابل بحث است، در کمتر زبانی تصاویر خیال‌انگیز و اصول بلاغی رایج در زبان فارسی دیده می‌شود. در عین حال، بنا بر اذعان اکثر زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان، شاید یکی از دشوارترین بخش‌های آموزش زبان فارسی نیز همین بخش باشد. البته این اشکال وقتی در زبان‌آموزان فارسی‌زبان هم دیده می‌شود، شکل دیگری به خود می‌گیرد و لازم است مورد توجه بیشتری واقع شود. یکی از رسالت‌های صاحبان رأی و اندیشه در حوزه زبان فارسی این است که آنچه را فارسی‌زبان‌ها به کار می‌برند و در مکالمات و مکاتبات خود مورد استفاده قرار می‌دهند ساماندهی و نقد و تحلیل کنند. برای تحقق بخشیدن به این هدف، کتاب‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی تألیف شده‌اند و در مقاطع مختلف تحصیلی تدریس می‌شوند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی در آموزش و پرورش

مؤلفان کتاب‌های ادبیات دوره متوسطه با هدف آشنا کردن دانش‌آموزان با متون مختلف نظم و نثر و شعرا و نویسندگان بزرگ، مجموعه‌ای از متون را با استفاده از اصول تقسیم‌انواع ادبی تدوین کرده و در پایان هر درس یا فصلی مطالبی برای آشنایی دانش‌آموزان با معانی و بیان و فنون بلاغی در نظر گرفته‌اند. یکی از زیباترین، رایج‌ترین و دل‌انگیزترین جلوه‌های صورخیال در ادبیات، یعنی تشبیه و استعاره، نیز در این آموزه‌ها گنجانده شده است؛ صورتی خیال‌انگیز که با زندگی روزمره ما نیز عجین شده است. تا آنجا که کمتر پیش می‌آید در طی

چکیده

توجه به آموزش و فرایند یادگیری زبان و ادبیات فارسی در سطح متوسطه زیربنای درک صحیح ادبی دانش‌آموزان در دوره‌های بعدی تحصیل و زندگی اجتماعی آنان است. در این میان، توجه به نقاط ضعف و قوت و تلاش در رفع کاستی‌ها و ابهامات احتمالی موجود در دروس ادبیات زمینه لازم برای حصول این مقصود را فراهم می‌کند. با توجه به اینکه یکی از مشکلات دانش‌آموزان یادگیری برخی صورخیال و آرایه‌های ادبی است، یافتن این موارد ابهام‌آمیز و سعی در برطرف کردن آن‌ها، در آموزش بهتر و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به ادبیات و زبان مادری آنان نقش مهمی دارد. ضمن اینکه آنان را در موفقیت‌های آموزشی و تحصیلی باری خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: آرایه‌های ادبی، کتاب‌های درسی، استعاره، انواع اضافه، اضافه اقتترانی، اضافه استعاری، ابهام

مقدمه

زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که در کنار انجام رسالت معمول خود، انتقال پیام و ایجاد ارتباط بین اعضای جامعه‌ای که به آن تکلم می‌کنند، از ظرافت‌ها و مشخصه‌های منحصر به فردی برخوردار است. یکی از شاخص‌ترین این ویژگی‌ها آراستگی زبان فارسی به فنون و ظرایف دستوری از یک سو و مزین شدن به صور خیال از سوی دیگر می‌باشد. گرچه در همه زبان‌ها اصول دستوری در چارچوب

پوزش و اعتذار

در مقاله با صدایی چون بلور آبی روشن در شماره ۱۱۱ صفحه ۵۲ از سرکار خانم صغری سلمانی نژاد مهرآبادی، به اشتباه دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس قید شده است که استادیار دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی صحیح است.

یک روز در گفتار روزمره خود یا دیگران با مورد یا مواردی از آن برخورد نکنیم. مادری که کودک خود را «گل پسر» یا «دختر گلم» خطاب می‌کند، از آرایه تشبیه استفاده کرده و آن‌گاه که او را «گلم»، «عسلم»، «عروسکم» و... صدا می‌زند، همین تعبیر را با آرایه استعاره به کار برده است. همه ما در طول روز به کرات از آرایه‌ها استفاده می‌کنیم؛ مثلاً وقتی به کودکی می‌گوییم: «دستت را از دهانت بیرون بیاور»، آرایه مجاز را به ملموس‌ترین شکل آن مورد استفاده قرار داده‌ایم.

آموزش این مفاهیم با آشنایی با صور خیال در مبحثی با عنوان «بیموزیم» در کتاب‌های ادبیات متوسطه صورت می‌گیرد. در کتاب سال اول (صفحه ۴۹) دانش‌آموزان با توجه به محتوای درس (گروه نویسندگان ادبیات فارسی ۱، ۱۳۹۰: ۴۲) با استناد به نمونه‌هایی از تشبیه و استعاره به آشنایی با این دو مبحث بلاغی - به‌خصوص استعاره - فراخوانده می‌شوند و سپس درباره استعاره توضیح مختصری داده می‌شود: «استعاره همان تشبیه است که در دوره راهنمایی آموخته‌اید؛ با این تفاوت که در استعاره یک طرف تشبیه، مشبه یا مشبه‌به، ذکر نمی‌شود.

مثال برای حذف مشبه‌به: چهره‌اش شگفت. (چهره به گل تشبیه شده است)

مثال برای حذف مشبه: آبشاری طلایی بر شانه‌هایش ریخته بود. (گیسوان به آبشار تشبیه شده است.) (همان: ۴۹)

این توضیح ممکن است کافی به نظر برسد اما مشکلی که عمده دانش‌آموزان متوسطه به‌خصوص در پایه‌های سوم و چهارم - که معمولاً دل‌نگرانی آن‌ها، کنکور و آمادگی برای آزمون‌های نهایی است - با آن مواجه‌اند این است که این آرایه را در سطحی گذرا در سال اول می‌آموزند اما در تشخیص آن همواره دچار مشکل و سردرگمی می‌شوند به‌ویژه زمانی که قرار است برای رقابت در آزمونی مثل کنکور آماده شوند و با مصادیق این آرایه برخورد می‌کنند. در اینجا ست که نقیصه کتاب و البته گاهی کوتاهی در تدریس آن از طرف مدرسان محترم خود رامی‌نمایند.

در این رابطه چند مشکل اساسی به شرح زیر قابل توجه است؛

الف) نحوه تدریس

بسیاری از همکاران محترم هنگام تدریس چنین

مواردی به شرح همان محتوای مذکور در کتاب می‌پردازند و توضیحات بیشتر را مستلزم زمان بیشتر می‌دانند یا آن را به سال‌های بعد موکول می‌کنند. از آنجا که توضیحات کتاب بسیار مختصر است و به شرح و بسط توسط دبیران محترم است نیاز دارد، این آرایه عملاً برای بسیاری از دانش‌آموزان به صورت مبهم و سؤال‌برانگیز باقی می‌ماند و اغلب از درک کامل آن عاجزند. حتی در سال‌های بالاتر هم به‌عنوان دغدغه‌ای جدی ذهن دانش‌آموزان را مشغول می‌کند و دبیران در سال‌های دوم، سوم و چهارم با این فرض که دانش‌آموزان قبلاً این مبحث را آموخته‌اند، از آن می‌گذرند و در نهایت، فقط به استخراج مصادیق آن در اثنای تدریس اکتفا می‌کنند.

ب) محتوای کتب آموزشی:

در کتاب‌های ادبیات فارسی متوسطه، صرف نظر از همان مورد ذکر شده در کتاب ادبیات فارسی ۱ شرح دیگری در مورد استعاره وجود ندارد و آنجا هم انواع استعاره به‌طور مشروح مطرح نشده است.

اصلی‌ترین و جدی‌ترین مشکل دانش‌آموزان با این آرایه در تقابل استعاره به‌صورت اضافه «استعاری» با ترکیباتی است که در کتب دستوری به نام «اضافه اقترانی» شناخته می‌شود. (احمدی گیوی و انوری ۱۳۷۰: ۱۲۳ و بعد) حتی دانش‌آموزان رشته انسانی نیز با این مبحث آشنا نیستند و در تشخیص اضافه استعاری - که در تست‌های کنکور با آن مواجه می‌شوند - از اضافه اقترانی - که بسیار به هم نزدیک‌اند - همواره دچار ابهاماتی می‌شوند و اگر دبیران گرامی در این مورد توضیح ندهند، این ابهام‌ها به چالشی جدی در ذهن دانش‌آموزان تبدیل می‌شوند. دلیل اصلی این مشکل عمدتاً ناآشنایی دانش‌آموزان با انواع اضافه است و این مبحثی است که جای خالی آن در کتب متوسطه به وضوح احساس می‌شود.

در کتاب‌های دستوری مثل دستور فارسی اثر استادان حسن احمدی گیوی و حسن انوری، درباره «نقش مضاف الیهی اسم» توضیح داده شده است: «اسم گاهی با کسره به کلمه بعد از خود اضافه می‌شود. کلمه دوم یا صفت است مانند «مهربان» در ترکیب «پدر مهربان» و یا اسم است مانند «نسرین» در ترکیب «پدر نسرین». (همان ۱۲۳ و ۱۲۴)

در ادامه این مطلب اشاره شده است که در مورد دوم، اسم نقش مضاف‌الیهی می‌گیرد (همان: ۱۲۶) تا



۱۲۸) که به آن نقش اضافی هم می‌گویند. سپس به شرح اقسام اضافه مشتمل بر ۱. اضافه ملکی، ۲. اضافه تخصیصی، ۳. اضافه توضیحی، ۴. اضافه بیانی، ۵. اضافه تشبیهی، ۶. اضافه استعاری، ۷. اضافه اقترازی و ۸. اضافه بنوت می‌پردازد. (این مبحث به کلی در کتب دستور متوسطه مطرح نشده است) در مورد این تقسیم‌بندی و اختلاف نظر زبان‌شناسان بر سر آن، بحث‌های زیادی صورت گرفته است. صرف نظر از این تقابل آراء، به نظر می‌رسد که دست‌کم جای خالی اضافه تشبیهی، استعاری و اقترازی در دستور حاضر کاملاً ملموس است و شرح آن‌ها ضرورت دارد و قطعاً در فرایند یادگیری دانش‌آموزان و رفع ابهامات متعدد از ذهن آن‌ها بسیار کارساز خواهد بود.

لازم به ذکر است که این مبحث جدا از کتب دستوری، در مباحث بیان نیز مطرح شده است. میرجلال‌الدین کزازی به «استعاره کنایی در ساخت اضافه» اشاره کرده است و می‌گوید: «استعاره کنایی گاهی در ساخت اضافه در سخن آورده می‌شود. این گونه از استعاره کنایی همان است که در دستور زبان آن را «اضافه استعاری» می‌نامند.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۳۲) بنابراین، برای تفهیم بیشتر مبحث استعاره، لازم است دانش‌آموزان دست‌کم با چند مورد از انواع اضافه آشنا شوند. چراکه در زمینه اضافه تشبیهی، دانش‌آموزان (البته فقط دانش‌آموزان سوم انسانی در درس آرایه‌های ادبی، صفحه ۵۶) در مبحث ارکان تشبیه یاد می‌گیرند که دورکن اصلی تشبیه، مشابه و مشابهه است، وجه‌شبهه و ادات تشبیه می‌توانند حذف شوند و تشبیهی که فقط دورکن مشابهه و مشابهه را داشته باشد، تشبیه بلیغ است. تشبیه بلیغ نیز یا به صورت اضافی است؛ مثل «پسرگلم» و «درخت دوستی» یا به صورت اسنادی است؛ مثل: «دخترم گل است» و «علم نور است».

در مورد استعاره نیز لازم است دانش‌آموزان در کنار انواع اصلی مکنیه و مصرّحه، با ترکیب «اضافه استعاری» نیز آشنا شوند و مثلاً فرق استعاره در «دیده عقل» را با استعاره در عبارت «گاه تنهایی/ صورتش را به پس پنجره می‌چسباند» و «شوق می‌آمد» (هادی، ۱۳۸۹: ۸۷) تشخیص دهند. نیز تفاوت این موارد را با «بت»، «گل» و «سنبل» در مصرع «بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد» دریابند. (همان: ۸۱) «البته در کتب معانی و بیان علاوه بر این دو نوع، انواع دیگر [استعاره] مرشحه و تخیلیه نیز مذکور است.» (تجلیل، ۱۳۷۰: ۶۶، ۶۴) «در بعضی کتب معانی و بیان تقسیم‌بندی‌های جامع‌تر و مفصل‌تری مذکور است؛ از جمله در مورد انواع استعاره مصرّحه (آشکار): رها (مطلقه)، پرورده (مرشحه) و پیراسته (مجرده) عنوان شده و تفاوت آن با استعاره مکنیه (کنایی) و زیرمجموعه‌ها و کاربردهای هر یک مضبوط است.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۹۹ تا ۱۳۰)

از سوی دیگر، در تشخیص اضافه استعاری، شناخت تفاوت و مرز اضافه اقترازی با آن ضرورت دارد؛ زیرا مطابق نظر استادان احمدی گیوی و انوری، «فرق اضافه استعاری و اقترازی آن است که اولاً

در اضافه استعاری، اصل استعاره بر پایه تشبیه استوار است؛ زیرا استعاره در واقع تشبیهی است که یکی از طرفین آن ذکر نشود. چنان که در ترکیب «دست روزگار» روزگار به انسان تشبیه شده در صورتی که در اضافه اقترازی، تشبیهی در میان نیست. ثانیاً در اضافه اقترازی، مضاف‌الیه معمولاً اسم معنی است و مفهوم یکی از عواطف و حالات درونی انسان را دارد؛ دست ادب، چشم احترام و...، در صورتی که در اضافه استعاری چنین نیست.» (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۷۰: ۱۲۷)

در تکمیل این موارد نکته سوم نیز می‌تواند اضافه شود و آن این است که در اضافه اقترازی، معمولاً دو کلمه با یکدیگر «قرین» می‌شوند. اولین کلمه معمولاً یکی از اعضای بدن است که بیانگر یک عمل فیزیکی یا عینی است و دومین کلمه ذهنیتی است که با آن عمل فیزیکی -قرین و همراه می‌شود، چنان که ترکیب «چشم طمع» را می‌توان این گونه تشریح کرد که کلمه اول، چشم، یکی از اعضای بدن و بیانگر عمل نگرستن است که با یک ذهنیت -یعنی طمع‌کاری -قرین و همراه شده است. (چشم‌انداختنی که با ذهنیت طمع‌کاری صورت گرفته است)

سیروس شمیسا نیز در شرح استعاره کنایی با مکنیه ضمن اظهار این نظر که «به نظر ما اطلاق نام استعاره بر آن صحیح نیست» می‌گوید: این استعاره از نظر شکل بر دو نوع است: «۱. به صورت اضافه که به آن اضافه استعاری می‌گوییم. اضافه استعاری از نظر دستوری بر دو نوع است: الف) اضافه‌ای که مضاف‌الیه آن اسم است: رخسار صبح، دست روزگار؛ ب) اضافه‌ای که مضاف‌الیه آن صفت است: عزم تیز گام... نوع دیگری اضافه داریم که کاملاً شبیه به اضافه استعاری است اما از نظر علم بیان ارزشی ندارد، یعنی از ابزار تخیل و تصویرگری نیست و از رو مربوط به حوزه زبان است و در دستور به آن اضافه اقترازی می‌گویند؛ مثل گوش هوش، دست ارادت، یعنی: گوشی مقترن به هوش؛ دستی از روی ارادت و مقترن به ارادت.» شمیسا معتقد است که از نظر ساختار نمی‌توان بین اضافه اقترازی و استعاری فرق نهاد. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۵۵)

پ) آزمون‌های رسمی و غیررسمی:

در بسیاری از آزمون‌ها، از جمله مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین آن‌ها برای دانش‌آموزان یعنی آزمون سراسری دانشگاه‌ها (کنکور)، دانش‌آموزان با تست‌هایی مواجه می‌شوند که آن‌ها را به اختیار کردن گزینه‌ای از میان گزینه‌هایی فرا می‌خواند. تشخیص قاطع چنین گزینه‌ای منوط به آگاهی دقیق از مباحثی است که درباره آن‌ها سخن گفتیم. برای نمونه:

- در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها «اضافه استعاری» اند؟ (سراسری ۸۹- تجربی)

۱. لب استخر، گل همیشه‌بهار، سایش بال، عطر الهام
۲. دست مهربان مرگ، درخت عزیز، گل خیال، غرفه بلند آسمان
۳. سینه کویر، آغوش خوش‌بختی، سقف شب، دست طبیعت
۴. پرنده خیال، چشمه موج نوازش، سایه پرواز، زبان گویای خدا

در پاسخ‌گویی به چنین تست‌هایی، بی‌تردید شناخت انواع استعاره به کمک دانش آموز می‌آید و بسیار بجاست که او انواع اضافه را نیز بشناسد. در گزینه ۱ «لب استخر» اضافه اختصاصی است. تجربه نشان داده است که بسیاری از دانش‌آموزان چنین مواردی را با مثلاً استعاره مکنیه اشتباه می‌کنند یا در گزینه ۲ مثلاً گل خیال که اضافه تشبیهی است یا درخت عزیز که اصلاً ترکیب وصفی است. در گزینه ۴ نیز نمونه‌های مختلفی دیده می‌شود.

از این دست گزینه‌ها در آزمون‌ها بسیار می‌توان دید.

همچنین در نمونه زیر:

در همه بیت‌ها به استثنای بیت... هر دو آرایه «استعاره» و «تشخیص» به کار رفته است (سراسری ۸۷- انسانی)

۱. به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد
۲. سخت جانی آیینه حیرتی دارم که تاب جلوه آن یار مهربان دارد
۳. سزد که اهل نظر سینه را نشان سازند که ترک عشوه‌گری تیر در کمان دارد
۴. زهر طرف به تظلم نیازمندی چند رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد

تشخیص گزینه صحیح، منوط به دانستن انواع استعاره است [چشم روزگار: مکنیه و تشخیص، مه‌تابان: مصرحه، سخت جانی آیینه: مکنیه و تشخیص، تیر: مصرحه (استعاره از مژگان) و...] و نیز دانستن تفاوت میان اضافه استعاری و اقترانی خصوصاً در تقابل ترکیب «رخ نیاز» با «چشم روزگار» و «سخت جانی آیینه»، ضروری است. تمیز ندادن اضافه اقترانی از استعاره مکنیه (تشخیص) به خطایی منجر می‌شود که حتی طراح این سؤال نیز مرتکب آن شده است. چرا که ظاهراً گزینه ۳ را صحیح دانسته (چون مسلماً استعاره از نوع تشخیص ندارد)؛ در صورتی که گزینه ۴ هم چنین آرایه‌ای را ندارد؛ مگر اینکه به اشتباه «رخ نیاز» را- که اضافه اقترانی است- استعاره فرض کرده باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکار

پیوند بین دستور زبان و فنون بلاغت در زبان فارسی، انکارناشدنی است و درک صحیح از ادبیات فارسی مستلزم آشنایی عمیق‌تر با این دو مقوله

اساسی در ادبیات است. از جمله مقوله «انواع اضافه» در دستور در درک و فهم آرایه‌هایی همچون تشبیه و استعاره (به‌ویژه اضافه استعاری) و رفع ابهام در تشخیص مصادیق آن به کمک دانش‌آموزان می‌آید. چراکه در این مباحث گاه مرزها آن‌چنان به یکدیگر نزدیک‌اند که حتی متخصصان ادبیات را هم نیازمند تعمق و دقت می‌نماید. به‌طوری که در کنار ابهام‌هایی که در تشخیص مثلاً اضافه استعاری و اضافه اقترانی پیش می‌آید، عملاً در یافتن مصادیق این صورت خیال‌انگیز- یعنی اضافه استعاری- به موارد ابهام‌آمیز دیگری نیز برمی‌خوریم. از جمله گاه تفاوت بین استعاره مکنیه و آرایه کنایه و مجاز عقلی با صرف وقت و دقت بسیار قابل تشخیص است.

بنابراین، بایستی دانش‌آموزان با نگاه گسترده‌تری به زبان مادری خود و یادگیری ظرافت‌های نهفته در آن بپردازند. برای حصول چنین مقصودی لازم است در کتاب‌های درسی آنان مباحثی ضروری چون استعاره با شرح و بسط بیشتری آموزش داده شوند. مثلاً در کتاب‌های ادبیات دوم و سوم متوسطه مطالب تکمیل‌کننده‌ای در ادامه مبحث استعاره سال اول بیاید و مبحث مهمی چون انواع اضافه به محتوای کتب متوسطه اضافه شود.

در این میان، تجارب همکاران و به‌دست گرفتن ابتکار عمل از سوی آنان بسیار کارساز خواهد بود. برای مثال، دبیران محترم هنگام شرح استعاره می‌توانند به‌طور مختصر انواع استعاره را با نام‌های مصرحه و مکنیه به دانش‌آموزان بیاموزند تا در ذهن آنان به‌صورت سازماندهی شده نقش گیرند. سپس به ذکر نمونه‌های هر یک در کتاب بپردازند و با بیان نمونه‌های کاربردی آن‌ها در زندگی روزمره- مانند مثال‌های ذکر شده «گلم»، «عسلم»، «عروسکم»- به نزدیک شدن ذهن دانش‌آموزان کمک کنند. در کنار آن نیز با اشاره به اضافه استعاری، تفاوت آن را با اضافه اقترانی به‌گونه‌ای قابل فهم‌تر مطرح کنند و در مقایسه نمونه‌ای از اضافه استعاری- مثل «دست خورشید»- با ترکیبی از اضافه اقترانی- که به آن نزدیک باشد و مشابه به‌نظر برسد مثل «دست ادب» اشاره کنند و فرق این دو را شرح دهند.

در پایان، باید گفت باتوجه به اینکه قصد و هدف نهایی همه‌ارکان آموزشی کشور، ارتقای سطح علمی و دانش عملی نسل جوان است، احساس مسئولیت هر یک از اعضای خانواده بزرگ آموزش و پرورش و همت والای ایشان در رأس تمامی راه‌حل‌ها می‌تواند گره‌گشای مشکلات باشد.

منابع

۱. احمدی گوی، حسن و حسن انوری؛ دستور زبان فارسی، انتشارات فاطمی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۰.
۲. باطنی، محمدرضا؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
۳. تحلیل، جلیل؛ معانی و بیان، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰.
۴. کزازی، میرجلال‌الدین؛ بیان (زیبایی‌شناسی سخن پارسی)، انتشارات کتاب‌ماد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
۵. شمیسا، سیروس؛ بیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۶. گروه نویسندگان؛ ادبیات فارسی ۱، چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۰.
۷. هادی، روح‌الله؛ آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان، بدیع)، اداره کل چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۸۹.